

خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب

دکتر علی نقی منزوی

ارج‌نامهٔ ایرج، به خواستاری محمدتقی دانش‌پژوه و عباس زریاب خویی، به کوشش محسن باقرزاده،

انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷خ، ج ۲، برگهٔ ۷۴۳ - ۷۵۴

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر

۱	در سده‌های آغازین پیروزی عرب.....
۱	خاندان‌های بزرگ.....
۲	زُفیل.....
۲	فرات.....
۳	یقطینی.....
۳	جُنید.....
۳	نوبخت.....
۳	[برقی].....
۴	منابع.....
۴	احمد برقی.....
۵	تولد و وفات.....
۵	زادگاه.....
۶	نسب و خاندان برقی.....
۶	نسب‌نامه خاندان برقی.....
۸	احمد برقی میان غلات ری و سُنت‌گرایان قم.....
۹	طرد احمد برقی از قم.....
۹	برقی نزد مادرائی.....
۱۰	بازگشت از تبعید.....
۱۱	اندیشه‌های فلسفی و آثار برقی.....
۱۱	الف) رجال برقی.....
۱۲	ب) محاسن برقی.....
۱۳	محتویات محاسن برقی.....

۱۳ دو کتاب مآكل و مشارب
۱۴ كتاب السفر
۱۴ كتاب المرافق
۱۴ كتاب العلل
۱۵ مصاييح الظلم
۱۶ كتاب الصفوة و النور
۱۷ كتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال
۱۷ كتاب الأشكال و القرائن
۱۷ شعر و ادب برقى
۱۸ استادان و شاگردان برقى
۱۸ آموزگاران
۱۸ شاگردان
۲۰ كتاب نامه
۲۰ نمايه كتاب و مقاله

دکتر علی نقی مسزوی

در سده‌های آغازین پیروزی عرب

۱

در سده‌های آغازین پیروزی عرب خاندان‌های بزرگ ایران ساسانی در سده‌های آغازین پیروزی عرب

دکتر علی‌نقی منزوی

ارج‌نامهٔ ایرج، به خواستاری محمدتقی دانش‌پژوه و عباس زریاب خویی، به کوشش محسن باقرزاده، انتشارات توس،

تهران، ۱۳۷۷ خ، ج ۲، برگهٔ ۷۴۳ - ۷۵۴

خاندان‌های بزرگ

چون در آغاز چیرگی عرب، سران این قوم خود را فاقد قدرت ادارهٔ کشوری بزرگ چون ایران دیدند، عمر خطاب دستور داد: فئودال‌های محلی ایران را که در دوران پایان حکومت ساسانی بر مردم چیره بوده و خود وسیلهٔ تسلط حکومت مرکزی بر توده‌های مردم ایران بودند، هم‌چنان در مقام اجتماعی قدیم خود بر سر قدرت باقی بمانند و فرماندهان عرب بگرفتن انواع جزیت و خراج از ایشان بسنده نمایند و حکومت عرب را به وسیلهٔ ایشان بر مردم ایران استوار دارند؛ بنابراین، رویهٔ فئودال‌های محلی^۱ ایران ساسانی مالکیت خود را بر بسیاری از سرزمین‌ها و تسلط اربابی خود را بر رعایا و نیم‌بردگان خود که بعدها «ابناء» خوانده شدند، کمابیش مانند دوره ساسانی نگاه داشتند، روابط اقتصادی فئودال‌ها با آن وابستگان هم‌چنان ادامه یافت.

نام بسیاری از این خاندان‌ها، چون: زُفیلیان، نوبختیان^۲، فُراتیان، جُنیدیان، یقطینیان، نجمیان^۳ در تاریخ ثبت است که با سمت دبیر و وزیر بر ادارات دولتی عرب چیره بودند و کسی جز خلیفه، آن نیز در موارد استثنائی توان برکناری ایشان را نداشت.

^۱ دست‌نویس منزوی: + دو رژیم دیده.

^۲ دست‌نویس منزوی: + خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی.

^۳ دست‌نویس منزوی: + و زُهمیان کرمان ریاضی‌دان و منجم بسیار داشتند. نک: معجم ج ۱۵، ۱۱۲ - ۱۲۰، ۱۴۴؛ ج ۱۹، ۲۶۲ - ۲۶۳؛ ج ۲۰، ۲۳۴ - ۲۵۳؛

یادداشت‌های قزوینی، ج ۳، ۳.

زُفیل

برای نمونه: در چندین سدهٔ آغازین اسلام با نام خاندان زُفیل روبه‌رو هستیم که به گفتهٔ یاقوت حموی^۱ خود را از فرزندان مه‌آذر پسر خشیش، پسر ابرویز، پسر خشین، پسر خسروان از درباریان تیسفون می‌شمردند که به دست سعد وقاص تسلیم شد و به مدینه نزد عمر رفت و لقب «زُفیل» گرفت و دارائی و املاک و مقام فتودالی خود را طبق فرمان عمر حفظ کرد.

یاقوت حموی زُفیل را نیای بزرگ، رئیس‌الرؤسا و وزیر قائم عباسی (۴۲۲ - ۴۶۷ق) می‌داند که بگفت مؤرخان، به دست بساسیری، پیام‌کنندهٔ اسماعیلی به سال ۴۵۰ق پس از محاکمه به گناه دعوت از ترکان سلجوقی برای گرفتن بغداد بر دار زده شد^۲.

پیامی را که خلیفه عرب بغداد برای دعوت از طغرل فرستاده بود، به نقل کاشانی جاسب چنین بوده است: ای فرستادهٔ ربُّ الأرباب! اسلام را از استیلای قرامطه دریاب^۳. [یعنی از دست آل بویه و ایرانیان نجات بده].

طبری نام نیاکان زُفیل را که در تیسفون تسلیم عمر شدند چنین می‌آورد: مه‌آذر جشنس (گشنس) که سرسُفره‌دار اردشیر پسر شیرویه پسر خسرو پرویز بوده است.

فرات

خاندان فرات^۴ که در بخش‌های دجیل در شمال بغداد می‌زیستند و در حکومت مقتدر (۲۹۴ - ۳۲۰ق) به حکومت رسیدند و برخی از ایشان پس از قتل ابن‌فُرات وزیر به دست مقتدر به مصر رفتند و برای حکام آن سامان وزارت کردند نیز از همین خاندان‌های عریق ایران ساسانی بودند.

مجلسی در بحار الأنوار سند روایت خطبهٔ شقشقیه را نیز از ایشان می‌شمرد^۵.

^۱ معجم‌البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ق)، چ. وستنفلد، شناسهٔ نهر زُفیل، ج ۴، برگهٔ ۸۳۹.

^۲ تجارب السلف، هندوشاه فرزند سنجر نخجوانی (ز: ۶۷۴ق)، تصحیح اقبال آشتیانی، چ. ۱۳۵۳خ، برگهٔ ۳۱۷.

^۳ زبدة التواریخ، چ. سربی، برگهٔ ۱۰۹، چ. افست، برگهٔ ۴۷.

^۴ دست‌نویس منزوی: + دو رژیمی.

^۵ بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی (د: ۱۱۱۰ق)، ج ۵، برگهٔ ۳۱۲ و ۳۶۸.

یقطینی

خاندان یقطینی را نیز می‌شناسیم که در قیام ایرانیان ضدّ امویان به رهبری ابومسلم خراسانی (ک: ۱۳۷ ق / ۷۵۵ م) همراه نوبختیان جانب هم‌وطنان ایرانی را گرفته و همراه برخی از نوبختیان به زندان امویان افتاده، داستان ایشان را ابن طاووس و اقبال آشتیانی آورده‌اند.^۱ بسیاری اعضای این دو خاندان ایرانی در کتاب‌های رجال شناسان ما شیعیان مانند رجال نجاشی (د: ۴۵۰ ق) و فهرست و رجال شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) و فهرست منتجب بن بابویه (د: ۶۰۴ ق) و رجال احمد برقی (د: ۲۸۰ ق) در شمار یاران امامان شیعه شمرده شده‌اند.

جنید

خاندان جنید، ستارگانی برجسته در میان فقیهان شیعه داشته‌اند، مانند ابن جنید محمد بن احمد (د: ۳۸۱ ق) که نخستین فقیه خردگرا و روشن‌اندیش به شمار می‌رود، از این خاندان است. او تشیع را اصلاح‌گر اسلام دانسته، نام یکی از کتاب‌های خود را «تهذیب الشیعة لأحكام الشریعة» «نهاده است»^۲.

نوبخت

نمونه دیگر از این گونه خاندان‌های عریق ایرانی خاندان نوبخت است که اثر مستند و جاودانه عباس اقبال آشتیانی «خاندان نوبختی» ما را از توضیح بیشتر بی‌نیاز نموده است. به امید روزی هستیم که برای هریک از خاندان‌های یاد شده اثری چون کار اقبال فراهم شود.

[برقی]

اینک من در این مقال درباره یکی از همین خاندان‌های^۳ ایرانی به نام خاندان «برقی» گفتگو دارم که نسبت به «برقه‌رود» قم دارند.

^۱ فرج المهموم، ابن طاووس، چ. نجف، ۱۳۶۸ ق، برگه ۲۱۱؛ خاندان نوبختی، اقبال آشتیانی، برگه ۷.

^۲ دست‌نویس منزوی؛ + معاصر شیخ صدوق است و همین نظر را داشته و کتاب خود را اکمال الدین نامیده است.

^۳ دست‌نویس منزوی؛ + دور ژیمی.

منابع

آگاهی ما از زندگانی این خاندان علم و افراد آن اندک است و در حدودی است که مسعودی (د: ۳۴۶ ق / ۹۵۷ م)، ندیم (د: ۳۷۷ ق / ۹۸۷ م)، محمد بن حسن در تاریخ قم (تألیف: ۳۸۷ ق / ۹۸۸ م)، غضائری (د: ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م)، نجاشی (د: ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م)، طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، ابن شهر آشوب (د: ۵۸۸ ق / ۱۱۹۲ م)، یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ ق / ۱۱۷۹-۱۲۲۹ م)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق / ۱۲۵۱-۱۳۲۶ م) و متأخران پس از وی در اختیار ما نهاده‌اند.

من در این مقال می‌کوشم که آراء فلسفی و اندیشه‌های برخی از ستارگان درخشان این خاندان، به ویژه یکی از ایشان به نام احمد برقی را تا آن جا که بتوانم با بررسی آثار باقی‌مانده این مردان صاحب‌نظر را از دید خواننده بگذرانم، و ایشان را که دو جنبه متضاد «غلو» و «سنت‌گرایی» را در خویش جمع می‌داشتند و از پل‌های وصل‌کننده گنوسیست‌های تندرو سه فرقه اول اسلام (غلات) با شیعیان سنت‌گرای سده (۴ هـ / ۱۰ م) به بعد هستند، بشناسانم.

احمد برقی

یکی از درخشان‌ترین ستارگان این خاندان علمی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی است. او یکی از دانشمندان و راویان صاحب‌نظر و بنیان‌گذار نخستین مجموعه اخبار شیعی در سده سوم هجری است که هواداران او از راه نیک‌خواهی و نیک‌اندیشی و دشمنان سنی^۱ او از راه بدخواهی نام او را در شمار پایه‌گذاران تشیع آورده‌اند. وقتی برقی به گردآوری و تدوین اخبار اقدام نمود که سنیان این کار را حرام و بدعت می‌شمردند. فرماندار خلیفه سنی در بخارا محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ق) را به کیفر تألیف «صحیح بخاری» که مهم‌ترین کتاب از شش صحیح اهل سنت است از بخارا به خرتنگ تبعید کرد تا در آن شهر به غربت درگذشت (الأعلام زرکلی، ج ۴، برگه ۲۵۸)^۲.

^۱ دست‌نویس منزوی: مقصود و منظور نویسنده مقاله از واژه سنی و سنیان دو قرن اول سلفی است، نه سنیان گنوسیسم‌زده معتزلی (تسنن دوم) و نه تسنن سوم متوکل و نه تسنن چهارم اشعری و نه تسنن پنجم گنوسیستی غزالی که تا امروز ادامه دارد.

^۲ دست‌نویس منزوی: + از منابع است.

در سده‌های آغازین پیروزی عرب

۵

احمد برقی در یکی از خانواده‌های ایرانی عریق در علم به دنیا آمد که به منظور استفاده از حقوق اجتماعی، مانند دیگر خاندان‌های سرشناس ایرانی سده‌های آغازین اسلام، تحت لوای یکی از قبیله‌های فاتح عرب زندگی می‌کردند. احمد و پدر و عموهایش چنان که خواهیم دید در شمار دانشمندان و نویسندگان سده (۳ هـ / ۹ م) بودند، به گفته رجال نجاشی، برگه ۲۳۶ از موالی قبيله اشعری و به گفته غضائری (رجال قهپائی، ج ۵، ۲۰۵) از موالی حرین بودند.

احمد بن محمد برقی غیر از علوم اسلامی گنوسیستی که نزد شیعیان آن عصر جزو معارف عمومی به شمار می‌آمد و نوعی جهان بینی ایشان را تشکیل می‌داد، در علوم عالیه گوناگون مانند فلسفه، نجوم، مسالک و ممالک (جغرافیا) نیز دست داشته است و چنان که خواهیم دید، پیرامن صد کتاب در آن علم‌ها تألیف کرده است.

تولد و وفات

مرگ احمد برقی را نجاشی، به نقل از علی بن محمد ماجیلویه (دخترزاده احمد برقی) سال ۲۸۰ ق / ۸۹۳ م و به نقل از احمد بن الحسین غضائری سال ۲۷۴ ق / ۸۸۵ م آورده است (رجال نجاشی، چ. بمبئی، ۱۳۱۷ ق، برگه ۵۵ - ۵۶)، ولی از ولادت او آگاهی در دست نیست، جز آن که طوسی در رجال خود او را از اصحاب جواد (د: ۲۲۰ ق / ۸۳۵ م) و هادی (د: ۲۵۴ ق / ۸۶۸ م) شمرده است، پس روایتی که در کافی از رضا (د: ۲۰۳ ق / ۸۱۸ م) و در مجلس ۸۸ امالی ابن بابویه از صادق به برقی نسبت داده شده است، ظاهراً حدیث‌هائی بُریده‌سند (مرسل) باشد.

زادگاه

محل تولد احمد ظاهراً همان موطن خانوادگی او قم؛ یا برقه‌رود قم بوده است، ولی به هر حال او در قم می‌زیسته و نجاشی صاحب خانه او را که از نویسندگان عالی مذهب (گنوسیست تند) بوده، معرفی نموده است (نجاشی، برگه ۱۶۶) و همین که برقی در خانه دیگران سکونت داشته تا اندازه‌ای وضع اقتصادی این دانشمند را نشان می‌دهد.

شمرده شدن احمد بن محمد برقی در عداد اصحاب جواد و هادی به معنی دیدار ایشان است که مستلزم سفر او به بغداد و سامره و شاید مدینه باشد، اما در یک روایت که کشی آورده به وجود او در سامره تصریح شده است (رجال کشی به نقل از رجال قهپائی، ج ۱، ۷۰).

در سده‌های آغازین پیروزی عرب

۶

نسب و خاندان برقی

نجاشی و طوسی نسب او را احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی نوشته و اصل او را از کوفه دانسته‌اند. و گفته‌اند که هنگام شکست قیام زید در کوفه به سال ۱۲۲ ق / ۷۴۰ م، جدّ خاندان برقی به نام محمد بن علی به زندان یوسف بن عمر والی بنی امیه بر عراق افتاد و کشته شد. پسر او عبدالرحمان به اتفاق فرزند کودکش خالد با اشعریان دیگر از کوفه گریخته به قم آمدند (نجاشی برگه ۵۵، و فهرست طوسی چ. نجف ۱۹۶۱ برگه ۴۴، و رجال قهپائی، ج ۱، ۱۳۹ - ۱۴۱ و معجم البلدان ج ۱، برگه ۱۶۷۵).

رجال‌شناسان هر یک از افراد این خاندان را که به دانش شهرت داشته‌اند، جداگانه معرفی کرده‌اند. من در این جا لیستی از نام‌هایشان را می‌آورم:

۱) محمد بن خالد: عموی احمد برقی از اصحاب رضا و جواد و از نویسندگان و مؤلفان بوده است. او نیز متهم به غلو بود و توبه کرد؛
 ۲) حسن بن خالد: عموی احمد برقی برادر کوچک محمد و بزرگتر از فضل پسران خالد است. کتاب‌هایی داشته و کتاب تفسیر عسکری نیز بدو منسوب می‌شده است؛

۳) فضل بن خالد: برادر کوچک حسن و عموی احمد برقی است؛

۴) علی بن علاء بن فضل بن خالد: نجاشی او را فقیه خوانده است؛

۵) محمد ماجلویه پسر عبدالله بندار، شوهر دختر احمد برقی است. ماجلویه از خاندان‌های علمی ایرانی بودند و او مؤلفاتی دارد؛

۶) علی بن محمد ماجلویه: دخترزاده احمد برقی و شاگرد او است و تألیفاتی دارد و یکی از «عده برقی» در کافی کلینی است؛

۷) ابو عبدالله برقی: خواهرزاده احمد برقی و شاگرد او است (یاقوت در کلمه برقه معجم البلدان به نقل از تاریخ حمزه اصفهانی)؛

۸) احمد بن عبدالله برقی: پسر احمد برقی و یکی از «عده برقی» کلینی در کافی است.

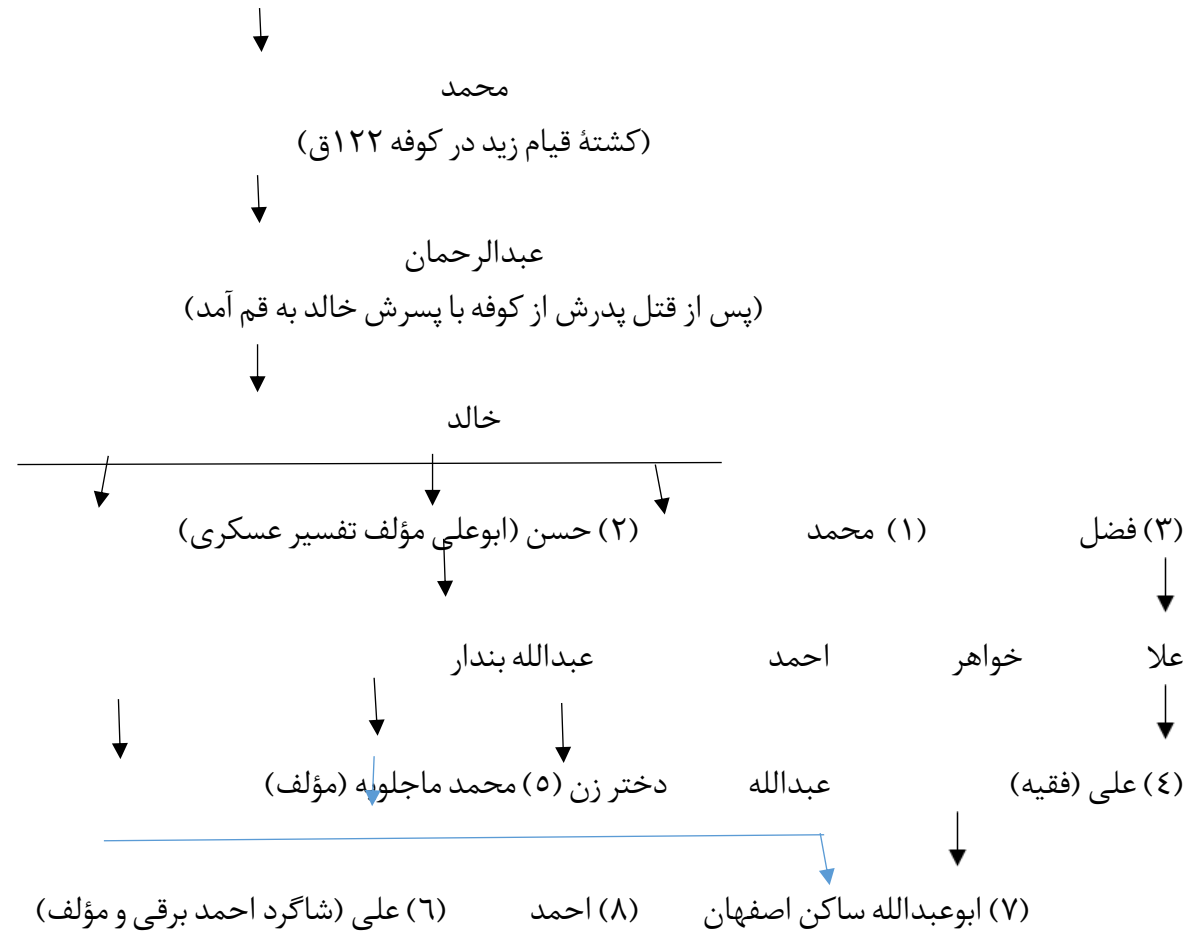
نسب‌نامه خاندان برقی

علی

دکتر علی نقی منزوی

در سده‌های آغازین پیروزی عرب

۷



احمد برقی^۱ میان غلات ری^۲ و سنت‌گرایان قم

در سده ۳ هـ ۹ م. مبارزه‌ای سخت میان گنوسیست‌های تندرو (غلات) و گنوسیست‌های سنت‌گرا و محافظه‌کار جریان داشت. تکیه‌گاه تندروان اندیشه‌های گنوستیک هندوایرانی بود که از زیان فارسی به عربی ترجمه می‌شد و رنگ اسلامی گرفت و تکیه‌گاه سنت‌گرایان مذهب سنتی حاکم می‌بود؛ البته هر دو طرف در این کشاکش‌ها به بخشی از آیات قرآن و حدیث‌های اسلامی استناد می‌جستند که می‌توانستند آن را به سود خود تفسیر نمایند. نتیجه این کشاکش‌ها پیروزی سنت‌گرایان و طرد غلات از جامعه تشیع و نابود شدن کتاب‌ها و آثار فلسفی ایشان گردید. در این کشاکش‌ها برخی دانشمندان بزرگ گنوسیست نیز مجبور به عقب‌نشینی ایدئولوژیک شده بخشی از اندیشه‌های خویش را کنار نهاده بی‌سروصدا به سنت‌گرایان می‌پیوستند.

مرکز اصلی شیعیان سنت‌گرا قم بود و پشتیبان ایشان اقطاع‌داران اشعری آن سامان بودند که خود را فرزند فاتحان عرب و به ویژه موسی اشعری^۳ می‌شمردند. در زمان احمد برقی رئیس این قبیله مردی به نام احمد بن محمد بن عیسی اشعری بود که با سلطان (خلیفه؛ یا فرمانده او) روابط حسنه داشت (نجاشی برگه ۵۹ - ۶۰؛ و فهرست طوسی برگه ۴۸ - ۴۹؛ و قهپائی، ج ۱، ۱۶۱ - ۱۶۵) با این که این رئیس اشعری خود شیعی و از اصحاب رضا، جواد، هادی و عسکری شمرده شده و با این که او در تألیف‌های خود از ایرانیانی چون داود کوزه (نجاشی برگه ۶۰ و ۱۱۴) استفاده می‌کرده، باز هم او در سخت‌گیری بر موالی و ترجیح عرب بر عجم (کافی، کلینی، ج ۱، ۳۲۴) کوتاهی نداشته است^۴.

سنت‌گرائی این رئیس شیعی اشعری تا آن جا بود که نه تنها احمد برقی و علی بن محمد شیرۀ کاشی (رجال نجاشی، ۸۰)؛ بلکه کسانی هم چون حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمان را که هر دو از اصحاب اجماع شیعه بشمارند نیز به «غلو» متهم می‌کرده است (کشی به نقل از رجال قهپائی، ج ۱، ۱۶۱ - ۱۶۲؛ و ج ۶، ۲۹۳ - ۳۰۷).

^۱ دست‌نویس منزوی: + در.

^۲ متن اصلی: وی، تصحیح منزوی: ری.

^۳ دست‌نویس منزوی: ابوموسی.

^۴ نک: مقاله اشعریان قم، منزوی [اشعریان قم، مجله چیستا، سال ۴، شماره ۱۰، خرداد ۱۳۶۶، شماره ردیف ۴۰، برگه ۷۵۴ - ۷۵۶، با نام مستعار علی کوشا

(علینقی منزوی).]

طرد احمد برقی از قم

با این که احمد مولای اشعریان به شمار می‌رفت، باز هم مانند دانشمندان و مؤلفان صاحب نظر دیگر به اتهام داشتن عقاید گنوستیک تند (غلو) مورد تعقیب آن رئیس اشعری قم قرار گرفت و از شهر قم اخراج شد (غضائری به نقل از رجال قهپائی، ج ۱، ۱۳۸)؛ البته غضائری فوراً می‌افزاید که رئیس قم دوباره او را به قم بازگردانیده پوزش خواست؛ لیکن چنانچه خواهیم دید، این بازگشت به زودی و سادگی انجام نگرفته است.

برقی نزد مادرائی

نوری از حلی در منهاج الصلّاح داستانی آورده است که به موجب آن احمد برقی برای بازپس گرفتن مزرعه‌ای در کاشان که درآمد سالانه‌اش ده هزار درم بود، مدتی نزد ابوالحسن احمد بن حسن مادرائی در ری زیسته است. در آن هنگام میان مادرائی و سلطان (خلیفه؛ یا فرمانده او اذکوتکین) کشاکش وجود می‌داشته، و مادرائی^۱ اموال یک مرد را به اتهام مکاتبه کردن با سلطان مصادره کرده بوده است. احترام احمد برقی نزد احمد حسن مادرائی تا آن جا بوده که شیعی بودن آن مرد متهم را تضمین کرده و به «تولی و تبری» (سوگند غلات) سوگند خورده و شفاعت او پذیرفته شده است.

مادرائی نسبت به خود احمد برقی نیز به جای ده هزار درم درآمد مزرعه کاشان بیست هزار درم پیش‌کشی کرده است (دارالسلام نوری، برگه ۱۶۲).

با توجه به دوستی اشعریان قم با سلطان و با توجه به گفته یاقوت درباره احمد حسن مادرائی که پس از فتح ری به سال ۲۵۷ ق - ۸۸۸ م به دست او، دانشمندان شیعه به گردش فراهم آمده کتاب‌ها به نامش تألیف کردند، دور نخواهد بود که احمد برقی پس از طرد شدن به وسیله شیعیان سنت‌گرا از قم، به این مرد شیعی در ری که مرکز شیعیان افراطی بود، پناه برده باشد تا مزرعه خود را در کاشان نجات دهد.

^۱ دست‌نویس منزوی: مادرائی است، ولی در سراسر متن مادرائی یاد شده است.

بازگشت از تبعید

علامه حلی در خلاصة الأقوال گوید: کتابی دیدم که در آن میان احمد برقی و احمد بن محمد بن عیسی رئیس اشعری قم داوری شده و گفته بود: رئیس اشعری برای تبرئه خویشتن، سر و پا برهنه در تشییع جنازه احمد برقی حاضر شده بود (رجال قهپائی، ج ۱، ۱۳۸-۱۳۹) هر چند پوزش خواهی رئیس اشعری از برقی را از گفته غضائری در بالا دیدیم؛ لیکن آشتی برقی با اشعریان و بازگشت او به قم بی عقب نشینی او نیز صورت نگرفته است و شاید مانند پدرش توبه نیز کرده باشد.

کشاکش برقی با اشعریان قم هر چند به آشتی انجامیده، نباید یک نزاع خصوصی دانسته شود؛ زیرا که رئیس اشعریان در این نزاع تنها نبوده و از طرف سنت‌گرایان محافظه کار دیگر تأیید می شده است (نجاشی برگه ۴۳؛ و صفار به نقل کلینی در کافی، ج ۱، ۵۲۶؛ و غضائری، نجاشی، طوسی و قهپائی ج ۱، ۱۳۸ - ۱۴۱) شاید بتوان پوزش خواهی رئیس اشعری را نشانه قدرت معنوی گنوسیست‌ها در آن عهد دانست، چنان که عقب‌نشینی برقی نیز نتیجه برهم خوردن حکومت یک ساله غلات ری به رهبری احمد حسن مازندرانی بوده است.

اخراج احمد برقی از قم به وسیله سنت‌گرای اشعری و احترامی که وی در ری مرکز شیعیان تندرو، نزد احمد حسن (صاحب توقیع از امام زمان) به سال ۲۷۵ یافته، و سپس بازگشت او به قم و آشتی با سنت‌گرایان پس از برچیده شدن حکومت یک ساله غلات ری، پرده‌هایی از تحولات سیاسی آن روزگار و کاشف از تطورات فکری این دانشمند است.

شاید با بررسی دقیق‌تر در این کشاکش‌ها بتوان معنی سخن نجاشی و طوسی را فهمید که گویند: در مجموعه هشتاد؛ یا صدگانه کتاب‌های محاسن برقی دست رفته، کاهش و افزایش یافته است (فهرست طوسی ۴۴؛ و نجاشی ۶۶) و چون در مجموعه ۱۱ کتابی کنونی محاسن چاپی جنبه‌های سنت‌گرا می‌چربد، می‌توان حدس زد که کتاب‌های دیگر این مجموعه گران بها به سبب محتویات تند (به زعم اشعریان قم) از میان رفته است. بنا به گفته محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری برخی از کتب احمد برقی نزد او بوده و در آن جا تلف شده است (نجاشی، ۲۵۱-۲۵۲ و ذریعة، ج ۱، ۵۲۴؛ و ج ۳، ۱۴۵).

در سده‌های نخستین اسلام گاهی گم شدن کتاب بدان معنی بود که مؤلف از ترس تکفیر مسؤلیت آن را از خود سلب می‌نمود و کتاب به صورت ناشناس پخش می‌شد و گاه شبانه در مسجدها ریخته می‌شد؛ و یا به مؤلف‌های متعدد نسبت داده می‌شد؛ البته

هرگاه این گونه کتاب‌ها به دست مخالفان می‌افتاد، نابود می‌گردید؛ لیکن باز هم کتاب‌های ناشناس تألیف سه قرن اول بسیار هستند که به دست ما رسیده‌اند و همگی؛ یا بیشتر آن‌ها از آثار همین موالی ایرانی می‌باشد. به هر حال مقداری از محتویات کتاب‌های برقی و دیگر متهمان به غلو که از میان رفته در سده‌های بعد در مجموعه‌های حدیثی سُنت‌گراتر از او به طور پراکنده دیدنی می‌شود. اینک ما برای بررسی اندیشه‌های برقی در سطور زیر به بررسی آثار باقی‌مانده وی می‌پردازیم.

اندیشه‌های فلسفی و آثار برقی

نجاشی (رجال، برگه ۵۵) و طوسی (فهرست، برگه ۴۴) نام یک صد کتاب احمد برقی را یاد کرده‌اند. یاقوت در کلمه برقه در معجم البلدان گوید: کتاب‌های وی نزدیک به صد است.

مسعودی در سرآغاز مروج الذهب، کتاب تبیان برقی را در شمار مصادر کار خود نهاده، محمد بن حسن در تاریخ قم (مؤلف: ۳۷۸ ق / ۹۹۷ م) این کتاب برقی را بنیان نامیده و نکته‌های دقیق تاریخی و جغرافیایی بسیار از آن نقل کرده است و او را از دیگر مؤرخان موثق‌تر شمرده و عبارتهایی به زبان پهلوی از آن نقل کرده است. اما آن چه از همه آن کتاب‌ها امروز به دست ما است دو کتاب رجال و محاسن می‌باشد

الف) رجال برقی

احمد برقی در این کتاب نام یاران هر یک از امامان یازده‌گانه را در ۱۱ بخش آورده و بخش ۱۲ را به آن یاران پیغمبر اختصاص داده که روز سقیفه با خلیفه‌شدن ابوبکر مخالفت ورزیدند.

این کتاب که به سال ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م، در ۱۰۰ برگه به تصحیح موسوی و زیر نظر محدث ارموی چاپ شده است، لیستی ساده از نام‌ها است و از هرگونه اظهارنظر و داوری تهی می‌باشد و شاید بتوان گفت که طوسی ترتیب رجال خود را از این کتاب گرفته باشد.

ب) محاسن برقی

در سده سوم این کلمه عنوانی عام برای کتاب‌هایی بوده است که مانند کتاب جاحظ شامل مجموعه‌ای از مقررات زندگی و معلومات عمومی بوده‌اند. کتابی بدین نام نیز به محمد بن خالد برقی (ابن ندیم) و به پسرش احمد بن محمد برقی نسبت داده شده است^۱؛ لیکن نجاشی و طوسی نام محاسن را به یکی از تألیفات احمد برقی داده، گویند در آن دست‌رفته، زیاد و کم شده است، سپس نام صد کتاب دیگر را به دنبال آن نهاده‌اند که چند تای آن‌ها اکنون در مجموعه یازده کتابی محاسن چاپی دیده می‌شوند. در صورتی‌که ابن شهر آشوب در معالم العلماء و ابن بابویه صدوق در پیش‌گفتار من لایحضره الفقیة در شمار مصادر کار خود از «کتب المحاسن» برقی نام برده‌اند، و چنین فهمیده می‌شود که ایشان «محاسن» را نام مجموعه‌ای از کتاب‌های برقی می‌دانسته‌اند. نوری (د: ۱۳۲۰ق) نیز گوید: محاسن نام مجموعه کتاب‌های باقی‌مانده از برقی است که سیزده کتاب‌اند و رجال برقی نیز یکی از آن‌ها است^۲.

محاسن برقی را قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین، پنجمین اصول چهارگانه شیعه بر شمرده است. اما محاسن چاپی شامل ۱۱ کتاب غیر از رجال می‌باشد که جداگانه چاپ شده است.

آری «مصایح الظلم» که پنجمین کتاب این مجموعه است و پس از «مآکل» از دیگر بخش‌ها بزرگ‌تر است شامل دو باب به عنوان «محبوبات» و «مکروهات» (برگه ۲۹۰ و ۲۹۵ چاپی) نیز هست و چون این دو عنوان در فهرست کتاب‌های منسوب به احمد برقی در نجاشی و طوسی نیز دیده می‌شود، مصحح چاپ «محاسن» احتمال داده است که هر یک کتابی جداگانه بوده‌اند؛ بنابراین، کتاب‌های به دست‌مانده از محاسن ۱۴ کتاب خواهد بود.

محاسن برقی به سال ۱۳۳۱ خ / ۱۹۶۲ م در ۶۵۵ + ۶۰ برگه مقدمه جلال محدث ارموی چاپ شده است.

^۱ نک: رجال نجاشی؛ رجال و فهرست طوسی؛ معالم‌العلمای ابن شهر آشوب؛ و رجال قهپائی، ج ۱، ۱۳۹ - ۱۴۲

^۲ خاتمه مستدرک، ملاحسین نوری (د: ۱۳۲۰ق)، ج ۳، ۵۵۲

محتویات محاسن برقی

این مجموعه یازده کتابی شامل اندیشه‌های گنوستیک و ضد گنوستیک بسیار است، او برخلاف جاحظ معتزلی کوشیده است تا همه مقررات و آداب و رسوم و عادات مردم آن روز را که پیش از اسلام هم در کشور او مرسوم بوده هر چه بیشتر رنگ مذهبی و اسلامی بخشد.

دو کتاب مآکل و مشارب

او در دو کتاب «مآکل و مشارب» (خوراکی و آشامیدنی‌ها) برگه ۳۸۱ - ۵۹۴، چاپی که از دیگر کتاب‌هایش بزرگ‌تر است، مسائل گیاه‌شناسی و خواص پزشکی خوراکی‌ها، میوه‌ها و سبزی‌ها را گردآورده و نام‌های غیر عربی بیشتر آن‌ها و نام فارسی بسیاری از روایت‌کنندگان آن‌ها نشان می‌دهد که ته‌مانده دانش‌هایی است که در دانشگاه‌های جندی‌شاپور، حران، نصیبین و سورا که نزدیک تیسفون بوده، تدریس می‌شده است.

راویان در این جا حکم خربوزه، مارماهی، کدبانو، بیماری بواسیر، شستشو و وضو با اشنان را با حفظ همین واژه‌های فارسی به امام نسبت داده‌اند و برخی عادات‌های مردم شهری مانند پاک کردن دست با دستمال و فرش کردن مسجد و چراغانی آن که نزد سنیان از صحرا رسیده بدعت و حرام بود^۱، در این جا نقل کلمه «لاباس» (=زیان ندارد) از گفته امام ششم شیعه مجاز شده‌اند.

در باب ۴۹ این کتاب هم خوراک شدن با مجوس و نصارا را برخلاف سنیان مجاز شمرده است؛ البته روایتی هم بر ضد این حکم نقل می‌کند. با این همه، برای مراعات خاطر سنت‌گرایان قدرتمند در حدیث ۲۹۹ و ۱۳۶ چنین دیده می‌شود: این ملت (اسلام) تا هنگامی خوشبخت خواهد بود که لباس عجم نپوشد و خوراک عجم نخورد^۲.

^۱ برای حرام بودن فرش کردن مسجد در عقیده سنیان سلف، نک: إحياء علوم الدين، غزالی ج ۱، ۱۳۶ عربی؛ و ج ۱، ۲۳۴ فارسی دیده شود.

^۲ عَنْهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ (محاسن، ۴۱۰، حدیث ۱۳۶).

کتاب السفر

کتاب السفر برگه ۳۴۱ - ۳۸۰، چاپی، باب ۴ و ۸ نجوم زردشتی را به خاطر می‌آورد و باب ۱۸ مطابق ذوق دیگر گنوسیست‌ها و برخلاف اهل سنت از شعر دفاع شده است.

کتاب المرافق

در کتاب المرافق برگه ۶۰۵ - ۶۴۴ چاپی، باب ۵ بر ضد هنر نقاشی و تصویر خانه‌ها روایاتی سنت‌گرا آورده و شاید تحت تأثیر فشارهای خلیفه زمان، متوکل قرار گرفته باشد که قبور و اماکن مقدس کربلا و نجف را به دلیل آذین‌بندی آن‌ها از طرف گنوسیست‌ها خراب کرده بود؛ زیرا که هنر نقاشی و حتی مجسمه‌سازی نزد شیعه تا سده ۶هـ/ ۱۲م مجاز بوده است^۱.
حدیث‌های ۹۷ و ۱۰۳ سنی مآبانه آوازخوانی را منع می‌کند در صورتی که در باب ۱۸ کتاب السفر عکس آن را دیدیم. در باب ۷ و ۹ برخلاف سنیان از تفریح ستایش شده است.

کتاب العلل

کتاب العلل برگه ۲۹۷ - ۳۴۰ چاپی کوشش‌هایی است که از طرف گنوسیست‌های مسلمان برای توجیه علمی احکام شرع انجام می‌شد؛ البته سنیان احکام شرع را بی‌نیاز از تعلیل می‌شمرده و این کوشش‌ها را اهانت به مذهب تلقی می‌کردند.
حدیث ۶۴ ردی است بر دهریان، شاید باقی‌مانده زروانیان؛ یا هم‌فکران محمد زکریای رازی (د: ۳۱۳ق) باشند که بر شماره رکعت‌ها و سجده‌های نماز اسلام اعتراض می‌کرده‌اند.
به موجب حدیث ۱۲۶ قائم آل محمد بر «عایشه» حدّ شرعی اجرا خواهد کرد و این نمونه آرزوهای مشترک موالی گنوسیست و طرفداران اهل بیت را نشان می‌دهد.

^۱ نک: -- الف) درباره هنر نقاشی در ایران، علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۱، سال ۱۲، شماره اول، فروردین ۱۳۵۳، ربیع الاول ۱۳۹۴، مارس ۱۹۷۴، برگه ۶ - ۱۱؛ ب) سیری در تاریخ هنر نقاشی پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی، مجله ایران‌مهر، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، برگه ۲۲ - ۲۶؛ نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی، کتاب قافله‌سالار سخن خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰خ، برگه ۲۸۳ - ۲۹۵.

مصایح الظلم

کتاب «مصایح» برگه ۱۸۷ - ۲۹۶ جنبه گنوستیک بیشتر دارد.

باب یکم در ستایش عقل است و آن را با دین دوقلو می‌شمرد و این در نظر سنیان اهانت به مذهب است.

در حدیث ۲۲ هشتاد و یک جفت سپاهان خیر و شر (اندیشه مانوی) را از گفته امام نقل می‌کند. این بخش در کافی کلینی و رسائل اخوان الصفا نیز دیده می‌شود.

باب دوم عمل مذهبی را بی‌معرفت (= گنوس) و بصیرت بی‌ارزش می‌شمرد و این درست ضد اندیشه سنی‌گرای اطاعت کورکورانه و تسلیم است.

باب ۳ و ۲۵ و ۴۱ و ۴۴ سراسر جبر مذهبی است که مورد اتفاق نظر زروانیان ساسانی و سنیان مسلمان و ضد اختیار مانویان و گنوسیست‌های مسلمان (غالبان و معتزله) است.

باب ۱۳ و ۱۵ دانش طلبی را واجب می‌شمرد و این نیز برخلاف صدها روایت سنی است.

باب ۲۱ نظریه گنوستیک «زمین از حجت خالی نبود» و «فیض الهی» قطع شدنی نیست، دیده می‌شود که برخلاف نظریه سنی خاتمیت پیغمبر و فترت میان پیغمبران است.

حدیث ۲۱۷ تنزیه گنوستیک از خدا است.

حدیث ۲۱۸ نظریه «بلکفه»^۱ = خدای بی‌کیف = وجود بی‌چون‌وچندائی مطرح شده و مانند آن در کافی کلینی نیز آمده است. ریشه مانوی این نظریه در تعلیقات منزوی بر گلدزیهر دیده می‌شود.^۲

حدیث ۲۲۵ علم را مانند ثنوافلاطونیان یادآوری (تذکیر) جهان گذشته (عالم ذر) می‌شمرد.

باب ۳۳ ترجیح نیت بر عمل، نظریه گنوستیک مرجیان ترجیح کار دل بر کار اندام است.^۳

^۱ متن اصلی: بلکنه. دست‌نویس منزوی: «بلکفه» است.

^۲ نک: درس‌هایی درباره اسلام، ایگناس گلدزیهر، برگردان علی نقی منزوی، چ. تهران، ۱۳۵۷ خ، برگه ۱۹۵ و ۲۱۹ همراه با پانوش هر دو برگه.

^۳ نک: مقاله مرجیان که بودند و چه گفتند؟ علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، برگه ۸-۱۳.

باب ۳۶ سنجی مآبانه تفسیر قرآن را منع می‌کند؛ لیکن در همان جا گنوسیست‌مآبانه حروف مقطّع اوایل سوره‌ها را از روی قیمت ابجدی حرف‌ها تفسیر می‌کند.

در حدیث ۴۱۳ ثنویّت مانوی روان نیکوکار و روان تبه‌کار در یک انسان، به صورت اسلامی بیان شده است.

حدیث ۲۰ کتاب «الصفوة و النور» نیز مانند آن است.

باب ۴۷ گنوسیست‌مآبانه علم و اخلاق نیکورا بر عبادت ظاهری ترجیح می‌دهد.

باب ۴۹ اختیار و استطاعت است و ضدّ جبر سنی است که در باب‌های ۳ و ۲۵ و ۴۱ و ۴۴ دیدیم؛ البته حدیث ۴۱۹ نیز اختیار را می‌رساند.

کتاب الصفوة و النور

برگه ۱۲۷-۱۸۶: مانند کتاب مصابیح‌الظلم از گنوسیسم شدید برخوردار است.

در باب ۴ و ۶ از روح هم‌چون جزء خدایی در مؤمن گفتگو دارد.

ما می‌دانیم که یکی از اتهاماتی که سُنّت‌گرایان قم بر یونس بن عبدالرحمان زده بودند، همین بود که او جزئی خدائی در انسان قائل بود (کشی به نقل از قهپائی، ج ۶، ۳۰۱ و ۳۰۳) و چنان‌که گفتیم یکی از اسباب اخراج برقی از قم همین گونه نظریات بوده است.

باب ۷ و ۹ مانند حدیث ۴۱۳ که یاد شد، ثنویّت مانوی دارد.

در باب ۱۹ و ۲۲ امام‌شناسی و عبادت برابر شناخته‌شده چنان‌که جهل و کفر را یکی می‌شمرد و این نظریه گنوستیک وجه مشترک شیعه و مرجیان سنی است.

به موجب حدیث ۶۳ عکرمة در پایان عمر شیعه شده است^۱.

باب ۲۴ و ۲۵ از رافضه و نام شیعی و رافضی دفاع شده است.

^۱ برای شناخت بهتر ویژگی‌های عکرمة خارجی مقاله حبر الأمة، علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵-۵۶، شماره ۵-۶، سال ۱۲، بهمن ۱۳۵۳، برگه ۲۳-۲۵، دیده شود.

در باب ۲۹ بهشت همان امام‌شناسی شناخته‌شده و این همان نظریهٔ گنوستیک است که بهشت را به معنای وصول به معرفت می‌شمرد که جا و زمان مخصوص ندارد.

باب ۴۰ نوعی روحانیت معاد (بهشت و دوزخ روحانی) را نشان می‌دهد و دور نیست از منابع کار ابن‌سینا در «اضحویه» باشد.

کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

در کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال برگه ۱۹ - ۱۲۶، سنت‌گرایی بیش از دیگر کتاب‌هاست.

کتاب الأشکال و القرائن

در حدیث ۵۱: امام از گروهی از پیروان خود گله می‌گزارد که حدیث‌هایی به ما نسبت می‌دهند که ما مجبور می‌شویم آن‌ها را تکذیب نمائیم. شاید این حدیث نیز گوشه‌ای از اختلافات گنوسیست‌های تندرو و میانه‌رو سنت‌گرا را نشان دهد.

شعر و ادب برقی

صاحب تاریخ قم اشعاری عربی به احمد برقی نسبت داده است (تاریخ قم، برگه ۲۷۷).

ابن‌شهر آشوب در «مناقب آل‌ابی‌طالب» اشعاری به ابن‌البرقی نسبت داده که می‌تواند از همین مرد باشد.

یا قوت از حمزه در تاریخ اصفهان آرد: احمد برقی از راویان شعر و لغت بود. پسر خواهرش ابوعبدالله را در آن جا تربیت کرد، سپس

ابوعبدالله به اصفهان آمده، ماندگار شد (معجم‌البلدان، ج. ۱، ۵۷۵).

حسن بن محمد در تاریخ قم جزئیات تاریخ ایران پیش از اسلام را از قول احمد برقی نقل می‌کند که در آن‌ها کلمات: حتی عبارت‌های پهلوی بسیار دیده می‌شود (تاریخ قم، برگه ۷۵ - ۸۸) و دانسته می‌شود که احمد برقی زبان پهلوی را به خوبی می‌دانسته است.

استادان و شاگردان برقی

آموزگاران

از استادان احمد آگاهی دقیق نداریم؛ لیکن چنان که گذشت وی از خاندان علم بوده، به ویژه پدر و عموهایش دارای تألیفات سنگینی بوده‌اند. او که کتاب‌های ایشان را روایت می‌کند، بی‌گمان از محضر ایشان استفاده کرده است. احمد برقی غیر از روایت‌هایی که مستقیماً از امامان نهم و دهم می‌کند، از راویان بسیار نیز روایت می‌کند که نام سی تن آنان را قهپائی از نجاشی و طوسی بیرون کشیده (رجال قهپائی، ج ۱، ۱۳۹ - ۱۴۳) که بررسی احوال هر یک از ایشان آگاهی‌هایی بیشتر از زندگی او به ما می‌بخشد.

شاگردان

از شاگردان برقی نام خواهرزاده‌اش را از گفته یاقوت نقل کردیم (برگه ۲۲، س ۸). نجاشی هم در احوال احمد بن اسماعیل گوید: او شاگرد احمد برقی است و استاد ابوالفضل محمد بن العمید می‌باشد (نجاشی برگه ۷۱).

راویان از احمد بسیار هستند و برای احصاء ایشان باید لااقل اصول چهارگانه حدیث شیعه بررسی شود؛ لیکن چهار تن ایشان که بیشتر بدو اختصاص داشته‌اند و شاید بتوان در شمار شاگردان او به شمار آورد، در نزد رجال‌شناسان به «عده برقی» معروف شده‌اند؛ زیرا که کلینی در کافی بسیاری از حدیث‌ها را به نقل از عده‌ای از اصحاب از احمد برقی از ... نقل کرده است.

خود کلینی توضیح داده است که هر جا من از «عده» نقل می‌کنم، مقصودم چهار تن زیر می‌باشد:

۱- علی بن محمد ابن بنت برقی که در برگه ۵، س. ۶، یاد شد؛

۲- احمد بن عبدالله ابن ابنه (پسر پسر برقی) که در برگه ۵، س. ۹، یاد شد؛

۳- علی بن ابراهیم قمی؛

۴- علی بن حسین سعدآبادی.

در سده‌های آغازین پیروزی عرب

۱۹

چون نسخه خلاصة الأقوال علامة حلی مغموط بوده است، به جای «ابن بنت» کلمه «ابن اذینه» نهاده شده و به جای «ابن ابن» «ابن امیه» آمده است. از این رو، شفتی در رساله‌ای که مخصوص عنوان «عده» نگاشته و در مجموعه رسائل حجة الاسلام شفتی برگه ۱۱۴ - ۱۲۵، چاپ شده، دچار مشکل گردیده است، و صاحب ذریعة در ج ۷، برگه ۱۴۵، در حاشیه آن‌ها را توضیح داده است. حجة الاسلام شفتی خود یک رساله جدا در احوال برقی نگاشته که در برگه ۳۰ تا ۴۴ آن مجموعه به سال ۱۳۱۴ ق چاپ شده است.

دکتر علی نقی نیشزوی

کتاب‌نامه

نمایه کتاب و مقاله

- احوال برقی، محمد باقر موسوی شفتی گیلانی بیدآبادی، حجة الاسلام اصفهانی (۱۱۷۵ - ۱۲۶۰ق)، برگه ۳۰ - ۴۴ مجموعه رسائل حجة الاسلام شفتی، ۱۳۱۴ق.
- إحياء علوم الدين، امام محمد غزالی (د: ۵۰۵ق)، برگردان مؤیدالدین محمد خوارزمی به سال ۶۲۰ق، تصحیح حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱خ.
- إختیارٌ مَعْرِفَةُ الرِّجَالِ، رجال کَشَى؛ یا مَعْرِفَةُ التَّاقِلِینِ، محمد فرزند عمر کشی (د: ۳۴۰ق)، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی، مقدمه‌نگاری محمد واعظزاده خراسانی دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ دیگر: تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبیدی و ابوالفضل موسویان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲خ.
- اشعریان قم، مجله چیستا، سال ۴، شماره ۱۰، خرداد ۱۳۶۶، شماره ردیف ۴۰، برگه ۷۵۴-۷۵۶، با نام مستعار علی کوشا (علینقی منزوی).
- الاضحویة فی المعاد، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰-۴۲۸ق)، تحقیق سلیمان دنیا، قاهره، ۱۹۴۹.
- أعلام قاموس الرجال لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المسشرقین، زرکلی، خیرالدین (۱۸۹۳-۱۹۷۶م)، چاپ دوم، چاپخانه کوستاتسوماس و شرکا، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م؛
- الأمالی للشیخ الصدوق، ابن بابویه محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند موسا فرزند بابویه قمی (۳۰۵ ۳۸۱ق)، تصحیح فضل الله طباطبایی یزدی، قم، ۱۳۳۴خ؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان، ۱۴۰۰ق؛ مترجم محمدباقر کمره‌ای، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۴۹خ.
- آغاز و انجام، خواجه نصیرالدین طوسی محمد فرزند محمد فرزند حسن، (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، تهران، ۱۳۳۵خ؛ تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴خ.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بحار الأنوار، ملامحمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق) فرزند ملامحمدتقی، تصحیح محمدباقر بهبودی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ق.

تاریخ سنی ملوک الارض و الأنبياء؛ تواریخ کبار الأمم؛ تاریخ کبار البشر و کتاب الأمم، حمزه اصفهانی، تصحیح گوتوالت، ۱۸۴۴، میلادی، گوتوالت؛ ترجمه به لاتین، لایبزیگ، ۱۸۴۸؛ تاریخ ملوک الارض، مولوی کبیرالدین، کلکته، ۱۹۳۲؛ دیگر: داود پوته ترجمه به انگلیسی، بمبئی؛ تاریخ پیامبران و پادشاهان، ترجمه به فارسی، جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۶خ.

تاریخ قم تاریخ قم، ابوعلی حسن بن محمد بن حسن قمی اشعری (نگارش: ۳۷۸ق / ۹۸۸م)، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، ۱۳۱۳خ.

تبیان برقی؛ بنیان برقی، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ق)، نک: تاریخ قم (نگارش: ۳۷۸ق / ۹۹۷م).

تجارب السلف، هندوشاه فرزند سنجر نخجوانی (ز: ۶۷۴ق)، تصحیح اقبال آشتیانی، چ. ۱۳۵۳خ، برگه ۳۱۷. ترجمه رساله اضحویه، نویسنده ناشناس، پارسی تصحیح به همراه تعلیقات حسین خدیوچم بر اضحویه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰خ.

حبر الأمة، علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵-۵۶، شماره ۵-۶، سال ۱۲، بهمن ۱۳۵۳، برگه ۲۳-۲۵. خاتمه مستدرک الوسائل، محدث نوری، میرزا حسین (د: ۱۳۲۰ق)، حواشی آقابزرگ تهرانی و تصحیح آقاعزیز طباطبایی، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

خاندان نوبخت، عباس اقبال آشتیانی، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۱۱خ؛ چاپ دیگر: طهوری، تهران، ۱۳۵۷خ. خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال، علامه حلی ابومنصور حسن فرزند یوسف فرزند المطهر اسدی ۶۴۸-۷۲۶ق، مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.

دار السلام، نوری، برگه ۱۶۲. دار السلام فیما يتعلق بالرؤية والمنام، چهار جلد، میرزا حسین فرزند محمدتقی نوری طبرسی (د: ۱۳۲۰ق)، تهران، ۱۳۰۵خ.

- درباره هنر نقاشی در ایران، علی نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۱، سال ۱۲، شماره اول، فروردین ۱۳۵۳، ربیع الاول ۱۳۹۴، مارس ۱۹۷۴، برگه ۶-۱۱.
- درس‌هایی درباره اسلام، ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱م)، برگردان به پارسی علینقی منزوی (۱۳۰۲-۱۳۸۹خ)، جلد یکم، چاپ بیروت، ۱۹۷۳م؛ جلد دوم، چاپ بنیاد ایران، تهران، ۱۹۷۷م؛ چاپ دوم: انتشارات کمانگیر، تهران، اسفند ۱۳۵۷. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، آقابرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث، البائیه الحمیریة - التحیه المبارکة، آقابرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷خ / ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب‌بازی، آقابرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، به کوشش علینقی منزوی (۱۳۰۲-۱۳۸۹خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷خ / ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م.
- رجال ابن الغضائری، کتاب کتاب الضعفاء و کتاب الجرح، حسین فرزند عبیدالله فرزند ابراهیم غضائری، محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ق
- رجال الطوسی، الأبواب، شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی (د: ۴۶۰ق)، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ق؛ رجال الطوسی، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد فرزند حسن (د: ۴۶۰ق)، تصحیح محمدصادق آل بحر العلوم، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
- رجال برقی شیخ ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ق)، تصحیح موسوی و مقدمه جلال محدث ارموی، تهران، ۱۳۴۲خ / ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م، در ۱۰۰ برگه به تصحیح موسوی و زیر نظر محدث ارموی.
- رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴خ.
- رجال کشی به نقل از مجمع الرجال قهپایی.

رجال نجاشی؛ یا فهرست أسماء مصنفي الشيعة؛ یا فهرست أسماء مصنفي الشيعة و ما ادرکناه من مصنفاتهم و ذکر طرف من کناهم و ألقابهم و منازلهم و أنسابهم و ما قيل في كل رجل منهم من مدح أو ذم، ابوالعباس احمد فرزند علی نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق)، چاپ بمبئی، ۱۳۱۷ق.

رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، رونویس کننده محمدعلی کشکول فرزند محمد اسماعیل شیرازی، هند ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۰۱ / ۷ فوریه ۱۸۸۴م؛ چاپ دارصادر، بیروت، ۱۹۵۷م. رسائل اخوان الصفا و الاعتبار.

رسائل شفتی، تهران، ۱۳۱۴ق؛ الرسائل الرجالية، محمد باقر موسوی شفتی گیلانی بیدآبادی، حجة الاسلام اصفهانی (۱۱۷۵ - ۱۲۶۰ق)، چاپ تهران، ۱۳۱۳خ؛ چاپ دیگر: تصحیح مهدی رجایی، اصفهان، مکتبه مسجد سید، ۱۴۱۷ق.

زبدة التواریخ (کتاب کاشانی)، جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله فرزند علی فرزند محمد ابوطاهر کاشانی (د: ۷۲۶ق)، چاپ تبریز، ۱۳۴۳خ؛ دیگر: بخش فاطمیان و نزاریان، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶خ.

زبدة التواریخ (حافظ ابرو)، شهاب‌الدین عبدالله فرزند لطف‌الله خوافی بهدادینی، حافظ ابرو (د: ۸۳۳ق) تصحیح کمال حاج سید جوادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۰خ.

سیری در تاریخ هنر نقاشی پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی، مجله ایران‌مهر، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، برگه ۲۲-۲۶. فَرْج المَهْموم في تاريخ علماء النجوم، فرج المَهْموم في معرفة نهج الحلال من علم النجوم، ابن‌ابی طائوس، سید رضی‌الدین، علی فرزند طاووس حلی (د: ۶۶۴)، چاپ نجف، ۱۹۶۸م؛ انتشارات دارالذخائر، قم، ۱۳۶۸ق.

فهرست ابن‌ندیم؛ یا فوز العلوم (تألیف: ۳۷۷ق)، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق بغدادی وراق، ابن‌ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق /)، تصحیح گوستاو فلوگل اتریشی (۱۸۰۲ - ۱۸۷۰م)، لایپزیک، ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲م؛ دیگر: چاپخانه رحمانی مصر، چاپ ۱۳۴۸ق؛ برگردان محمدرضا تجدد، تهران، بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۶خ. چاپخانه رحمانی، مصر، ۱۳۴۸ق؛ به کوشش و برگردان رضا تجدد، چاپ تهران، ۱۳۴۶خ؛ دیگر: برگردان رضا تجدد، به کوشش مهین جهان‌بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶خ.

الفهرست، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی، شیخ الطائفة (د: ۴۶۰ق / ۱۰۶۸م)، تصحیح محمدصادق آل‌بحرالعلوم، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۰م.

- الفهرست، فوز العلوم، ابن‌ندیم ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن‌ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق)، چاپخانه رحمانی مصر، چاپ ۱۳۴۸ق؛ پژوهش و برگردان رضا تجدد، چ تهران، ۱۳۴۶ خ.
- قافله‌سالار سخن خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰خ، برگه ۲۸۳-۲۹۵، نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی.
- کافی، اصول، فروع، روضه کافی، ابوجعفر محمد فرزند یعقوب فرزند اسحاق ثقة‌الاسلام کلینی رازی (۳۲۹دق)، پژوهش علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ق.
- مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (۹۶۵ - ۱۰۱۹ق)، تصحیح گروهی از بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، احمد عبدمنافی، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷خ.
- مجله ایران‌مهر، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، برگه ۲۲-۲۶، سیری در تاریخ هنر نقاشی پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۱، سال ۱۲، شماره اول، فروردین ۱۳۵۳، ربیع الاول ۱۳۹۴، مارس ۱۹۷۴، برگه ۶-۱۱، درباره هنر نقاشی در ایران، علی‌نقی منزوی.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵-۵۶، شماره ۵-۶، سال ۱۲، بهمن ۱۳۵۳، برگه ۲۳-۲۵، حبر الأمة، علی‌نقی منزوی.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، برگه ۸-۱۳، مرجیان که بودند و چه گفتند؟ علی‌نقی منزوی.
- مجمع الرجال؛ رجال قهپایی، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴خ.
- المحاسن، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (د: ۲۷۴ق)، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۳۰خ؛ تصحیح موسوی و محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱خ / ۱۹۶۲م، ۶۵۵ برگه + ۶۰ برگه مقدمه جلال محدث ارموی.
- مرجیان که بودند و چه گفتند؟ علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، برگه ۸-۱۳.

- مروج الذهب و معادن الجواهر، علی فرزندحسین مسعودی (د: ۳۴۶ق / ۹۵۷م)، تحقیق شار پلا. چاپ پاریس، ۱۸۶۱ - ۱۸۷۲؛ افست تهران؛ چاپ دارالاندلس للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دهم ۱۹۶۶م.
- معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً (تأليف: ۵۸۱ق)، محمد فرزند علی ابن شهرآشوب، تصحیح و مقدمه‌نگاری عباس اقبال، تهران، ۱۳۵۳ق / ۱۳۱۳خ، ۱۴۱ برگ؛ دیگر: تصحیح محمدصادق بحرالعلوم، مطبعة حیدریه، نجف، ۱۳۳۹خ / ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م، ۱۵۹ برگه.
- معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهاب‌الدین ابو عبدالله فرزند عبدالله رومی، چاپ لایبزیگ (۱۸۷۳-۱۸۶۶م)، چ. وستنفلد، افست تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پارسی دکتر علینقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ. به چاپ رساند. امید به چاپ دیگر جلدهای ترجمه شده آن.
- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد فرزند علی فرزند بابویه قمی (د: ۳۸۱ق / ۹۹۱م)، چاپ تهران، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۱م.
- مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب (د: ۵۸۸ق) ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق منهاج الصلاح في اختصار المصباح، جمال‌الدین حسن فرزند یوسف فرزند مطهر، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) منهاج الصلاح، علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ق)، نسخه خطی کتابخانه مرعشی، قم؛ مکتبه علامه مجلسی، قم، ۱۳۸۸خ؛ ۱۴۳۰ق نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران، علی‌نقی منزوی، کتاب قافله‌سالار سخن خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰خ، برگه ۲۸۳-۲۹۵. یادداشت‌های قزوینی، ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶خ؛ دیگر: ناشر علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۳خ.